

The Manipulation of Symbols in the Political Opportunity of Parliamentary Elections the Analysis of Ethnic Groups of Urmia and Tabriz Representatives in the Tenth Parliamentary Term

Faez Dinparasti*

Assistant Professor, Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Samere Paryab

LLM, Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abstract

Elections, both for the presidency and the parliament, have played an important role in shaping political discourses and shaping citizenship demands. The purpose of this study is to explain the plan of ethnic demands by members of the Islamic Consultative Assembly in the two cities of Urmia and Tabriz in the tenth term. The data required for this study were collected through images, slogans, lectures and interviews. The data collected in this study were analyzed by process tracking method. Findings show that in a political opportunity such as elections, ethnic elites pursue the goal of maintaining their privileged position and mobilizing resources to win elections by resorting to two measures of manipulating symbols and strengthening the feeling of relative deprivation.

Keywords: Structure of Political Opportunity, Manipulation of Symbols, Electoral Competition, Mobilization of Resources, Azerbaijan.

* Corresponding Author: faez.dinparast@gmail.com

دست‌کاری نمادها در فرصت سیاسی انتخابات: تحلیل کنش‌های قوم‌گرایانه نمایندگان ارومیه و تبریز در دوره دهم مجلس شورای اسلامی

فائز دین‌پرستی*

استادیار علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

ORCID:7329-2794

کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی در اسلام دانشگاه علامه طباطبائی، تهران،

ایران

سامره پاریاب

چکیده

انتخابات، اعم از ریاست جمهوری و مجلس نقش مهمی در صورت‌بندی گفتمان‌های سیاسی و شکل‌گیری مطالبات شهروندی داشته است. هدف این پژوهش، تبیین طرح مطالبات قومی توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی در دو شهر ارومیه و تبریز در دوره دهم است. داده‌های مورد نیاز این پژوهش از طریق تصاویر، شعارها، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها گردآوری شده‌اند. داده‌های گردآوری شده در این پژوهش با روش ردیابی فرایند تحلیل شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد نخبگان قومی در یک فرصت سیاسی مانند انتخابات با توسل به دو اقدام دست‌کاری نمادها و تقویت احساس محرومیت نسبی، هدف حفظ و صیانت از موقعیت ممتاز خود و بسیج منابع برای پیروزی در انتخابات را دنبال می‌کنند.

واژگان کلیدی: ساختار فرصت سیاسی، دست‌کاری نمادها، رقابت انتخاباتی، بسیج

منابع، آذربایجان.

مقدمه

موضوع این پژوهش، تبیین طرح مطالبات قومی توسط نمایندگان مردم در تبریز و ارومیه در زمان انتخابات مجلس شورای اسلامی است. در ماه‌های نخست پس از انقلاب اسلامی طرح مطالبات قومی به شکل رادیکال، گاه واگرایانه و خشونت‌آمیز صورت گرفت. اما دوره اصلاحات، نقطه شروع باز شدن فضای سیاسی کشور و مساله تکثر فرهنگی بود. تاکید بر آزادی‌های سیاسی و اجتماعی سبب شد نخبگان سیاسی به طرح مسائلی چون «حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی»، «دموکراسی قومی» و دیگر مطالبات قومی بپردازند. در برهه‌های رقابت انتخاباتی، طرح شعارهای قومی بسامدی فراتر می‌یابند (عبدی و همکاران، ۱۳۹۳). موضوع آموزش به زبان مادری در مدارس، ایجاد فرهنگستان زبان ترکی، تاسیس فراکسیون ترکی، راه‌اندازی شبکه مستقل ترکی، وضعیت دریاچه ارومیه بعنوان شاخص طبیعی آذربایجان، وضعیت رفاهی منطقه، مقایسه مالیات‌ها در سطح کشور، وضعیت تیم‌های ورزشی و ورزشکاران آذربایجانی، پوشش سنتی و ... بخشی از مطالباتی است که در زمان رقابت‌های انتخاباتی بعنوان خواسته‌های اصلی گروه قومی مطرح می‌شود. این پژوهش‌چرایی طرح پررنگ مطالبات قومی را در دو شهر ارومیه و تبریز مورد مطالعه قرار می‌دهد.

مطالبات قومی در ایران تاکنون دستمایه پژوهش‌های متعددی بوده است. حمید احمدی در «قومیت و قوم‌گرایی در ایران؛ افسانه و واقعیت» (۱۳۸۲) و «بنیادهای هویت ملی ایرانی» (۱۳۸۸)؛ به سیاسی شدن مسائل زبانی و مذهبی در ایران و نقش نخبگان قومی در زیر سوال بردن بنیادهای هویت ملی ایرانی پرداخته است. کریمی مله (۱۳۹۰) در کتاب «درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی تنوع قومی»؛ از منظر جامعه‌شناسی سیاسی به موضوعات قومی و هویتی و کاربست آن در تحلیل مسائل قومی پرداخته است. مرشدی‌زاد (۱۳۸۰) به نقش روشنفکران آذری در برخورد با مسائل قومی پرداخته است و در این اثر رویکردهای زبانی اتخاذ شده از سوی نخبگان آذری در راستای وحدت ملی را مورد بررسی قرار داده است. مقصودی در کتاب تحولات قومی در ایران؛ علل و زمینه‌ها (۱۳۸۰) کوشیده تا به لحاظ نظری و عملی به درک بهتری از چرایی بروز تحولات قومی در یکصد سال اخیر در ایران نائل آید. وی بویژه بر مقطع سوم از این تحولات یعنی پس از پیروزی انقلاب اسلامی تاکید دارد و معتقد است بررسی این مقطع،

گام مهمی در جهت شناخت هرچه بهتر اوضاع و احوال حاکم بر اجتماعات قومی جامعه ایران برای درک و دریافت واقع‌بینانه‌تر علل هر نوع تحول است. اکبر آقاجانیان نیز در مقاله «نابرابری قومی در ایران؛ یک مرور کلی» نابرابری اقتصادی-اجتماعی در بین جوامع قومیتی در ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد و اشاره می‌کند در اولین گام‌های مدرنیزاسیون، مواردی همچون تمرکزگرایی سیاسی، تسلط زبان و فرهنگ فارسی و تمرکزگرایی در مراحل پیشاصنعتی شدن، اغلب افزایش نابرابری قومیتی را به همراه داشته است.

یافته‌های عبدی و همکاران (۱۳۹۳) نشان می‌دهد که هم‌زیستی مسالمت‌آمیز گروه‌های مذهبی و زبانی در ایران یک قاعده تاریخی حاکم بر مناسبات این گروه‌ها بوده است اما در برهه‌هایی از زمان مانند انتخابات ریاست جمهوری، هم‌زیستی میان ملت ایران دست‌مایه رقابت میان نخبگان ابزارگرا برای دستیابی به فرصت‌های سیاسی و اجتماعی قرار گرفته است.

با توجه به نقش بستر ساز انتخابات برای نخبگان سیاسی، این مقاله با تمرکز بر کاربست مؤلفه‌های قومی در بستر انتخابات، نقش نخبگان رسمی و مشخصاً نمایندگان مجلس را در ایجاد بسیج سیاسی در مرکز آذربایجان شرقی و غربی مورد بررسی قرار داده است.

مسئله پژوهش، تبیین طرح مطالبات قومی توسط نخبگان رسمی در منطقه آذربایجان در برهه انتخابات است و این پرسش را مطرح می‌سازد که طرح مطالبات قومی از سوی نمایندگان مجلس در تبریز و ارومیه چگونه قابل تبیین است؟

چارچوب نظری

دستیابی به چارچوب نظری بعنوان راه‌حل نظری مسئله پژوهش نیازمند بررسی انتقادی تئوری‌های موجود است. در این پژوهش پس از بررسی نظریه‌های متنوع در باب منازعات قومی، با رجوع به نظریه ساختار فرصت سیاسی و دست‌کاری نمادها، مفاهیم اساسی این تئوری‌ها تلفیق و بازسازی شده تا راه‌حل نظری مسئله از آن بدست آید.

اولین نظریه، ساختار فرصت‌های سیاسی^۱ است که در قالب سنت نظریه بسیج منابع^۲ جای می‌گیرد. چارلز تیلی^۳ در مقدمه کتاب «از بسیج تا انقلاب»^۴ اشاره می‌کند که تلاش وی در جهت تدوین نظریه‌ای برای تبیین و توصیف کنش‌های جمعی^۵ هدف‌گیری شده است. او بر این باور است که هرچه میزان بسیج در یک جمعیت بیشتر باشد؛ قدرت آن افزایش یافته، منابعی که هزینه می‌کند کمتر شده و در نهایت منافی که بدست می‌آورد بیشتر می‌گردد (Charles Tilly, 1981). بسیج فرایندی است که به واسطه آن یک گروه از حالت مجموعه منفعلی از افراد، به مشارکت‌کننده فعال در زندگی عمومی تبدیل می‌شوند. به بیان دیگر، بسیج یعنی گردآوری منابع (انسانی و مادی) برای استفاده و عمل جمعی (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۱۳-۱۰۴). این نظریه نشان می‌دهد جنبش‌های اجتماعی چگونه منابع را برای حل نارضایتی‌های جمعی بسیج می‌کنند و با فراگیرتر شدن بسیج، احتمال پیروزی آنان افزایش می‌یابد.

وقتی در جامعه یک احساس جمعی بی‌عدالتی بوجود می‌آید (ممکن است این احساس لزوماً واقعی نباشد)، مردم را تشویق می‌کند تا عضوی از جنبش‌هایی شوند که ادعای حق‌طلبی دارند. آنها به طور تصادفی اهداف خود را انتخاب نمی‌کنند بلکه این شرایط سیاسی است که بر برخی نارضایتی‌های خاص جنبش‌ها تاثیر می‌گذارد (Meyer, 2004).

از دیگر سو مطابق با نظریه ساختار فرصت سیاسی، تغییرات نمی‌توانند بدون زمینه مناسب رخ دهند. زمینه این تغییرات به طور قطع با بسیج منابع و بازتوزیع منابع مادی و غیرمادی همراه است. البته کنشگران و اعضای جنبش، زمانی دست به اقدام می‌زنند که متقاعد شوند این اقدامات هم ضرورت دارند و هم مشروع هستند (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۱۶۸-۱۶۷). طبق این نظریه، رفتار افراد و گروه‌ها تابع نقطه ضعف و قوت و منابع و موانع نظام سیاسی است و بین محیط و رفتار سیاسی کنش‌گران رابطه وجود دارد (Marianne, 2002).

-
1. Political Opportunity Structure
 2. Resource Mobilization
 3. Charles Tilly
 4. From Mobilization to Revolution
 5. Collective Action

از دید ایزینگر عناصر و مولفه‌های محیط سیاسی، عناصر، ساختار فرصت سیاسی هستند که زمینه پیگیری و یا ممانعت از اهداف معین را ایجاد می‌کنند. ساختار فرصت سیاسی به اعضای یک جنبش کمک می‌کند تا در رفتارهای جمعی مشارکت کنند و در دست‌یابی به اهداف خود کامیاب شوند یا اینکه برای آنان موانعی ایجاد می‌کنند و سبب ناکامی‌های آنها می‌شوند (Eisinger, 1973: 21). سیدنی تارو بی‌ثباتی سیاسی را عاملی در جهت تشویق نخبگان سیاسی می‌داند که برای بدست آوردن پشتیبانی بیرونی و جلب نظر هواداران و اعضای جنبش با یکدیگر دست به رقابت می‌زنند (Bengtsson, 2004: 86-90).

الگوی دیگر، نظریه رقابت نخبگان است. پُل براس^۱ از واضعان مشهور این نظریه در اثر معروف خود^۲ به این نکته اشاره می‌کند که «نخبگان با یکدیگر در داخل گروه به رقابت می‌پردازند و این‌گونه در صدد کنترل وفاداری گروه قومی هستند. آنان در مقابله با دولت مرکزی و یا دیگر رقیبان می‌کوشند سمبل‌های چندگانه گروه را به شکلی واحد و یکپارچه ارائه دهند و استدلالی که ارائه می‌کنند این است که اعضای گروه از جنبه‌های متفاوت با سایر گروه‌ها متفاوت هستند و تمامی شاخص‌های گروه قومی این مسئله را تایید و تقویت می‌کنند» (Brass, 1991: 14-16). منابع سمبولیکی که نخبگان قومی از آن برای مبارزه سود می‌جویند تفاوت‌های فرهنگی، زبانی و مذهبی است (Brass, 1991: 274-5). مشوق نخبگان برای نمادسازی، دل‌بستگی به نمادهای گروهی و قومی نیست، بلکه برای حفظ موقعیت ممتاز خویش به نمادسازی یا دست‌کاری نمادها رو می‌آوردند. استفاده از سمبل‌های قومی در مواقعی که هیچ ضرورتی ندارد و یا نسبت دادن مفاهیم جدید به نمادهای قومی بارزترین نشانه دست‌کاری نمادهاست. این فرایند سبب ساده شدن، تحریف شدن و گزینش باورها و ارزش‌هایی خواهد شد که از نظر سیاسی برای نخبگان ارزش ویژه‌ای دارد (Brass, 1979). در واقع از دید براس، هویت‌های قومی فطری نیستند بلکه برساخته‌های اجتماعی و سیاسی و آفریده نخبگانند. نخبگانی که مواد فرهنگ گروه‌هایی که قصد نمایندگی‌شان را دارند به یاری گرفته، تحریف و حتی گاه جعل می‌کنند تا از موقعیت ممتاز خود پاسداری یا برای خود منافع

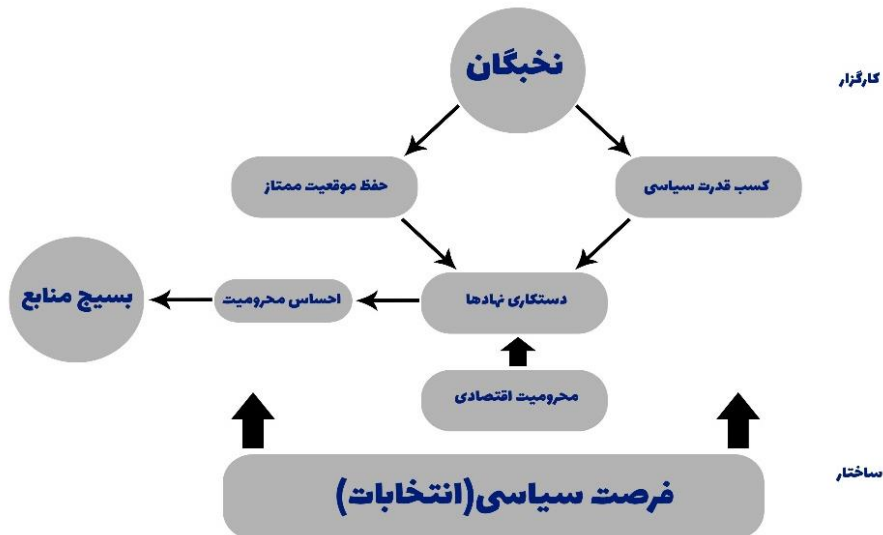
1. Paul Brass
2. Ethnicity and Nationalism: Theory and Comparison

سیاسی و اقتصادی کسب کنند (Brass, 1991: 111). آن‌ها به قومیت به‌عنوان یک منبع قدرت سیاسی می‌نگرند. بسیاری از این نمادها به صورت طبیعی در جامعه وجود دارند و نخبگان برای دستیابی به منافع خود آنها را دست‌کاری می‌کنند.

براس نقش نخبگان قومی را در ایجاد برساخته‌های ذهنی حول محور قومیت در برابر دولت که منبع قدرت سیاسی است، بررسی کرده است و معتقد است هویت‌های قومی، فطری نیستند بلکه برساخته اجتماعی و سیاسی و آفریده نخبگانی هستند که مواد خام فرهنگ گروه‌هایی که می‌خواهند نمایندگی‌شان کنند را به یاری گرفته، تحریف و گاهی جعل می‌کنند تا از موقعیت ممتاز خود پاسداری کنند یا برای خود منافع سیاسی-اقتصادی کسب کنند. پژوهش براس در مورد هند و پاکستان نشان می‌دهد که گزینش برخی نمادها و برخی آیین‌های دینی توسط نخبگان قومی مسلمان، هندو و سایر طوایف در جریان رقابت سیاسی بر سر قدرت، چگونه مورد استفاده قرار گرفت و چگونه معناهای جدیدی به نمادهای قدیمی نسبت داده شد تا همبستگی میان قومی افزون‌تری حاصل شود (مالشوئیچ، ۱۳۹۰: ۱۸۵-۱۸۶).

دستگاه نظری این مقاله بر اساس تلفیق نظریه‌های بالا ساخته شده است. دستگاه نظری ساخته شده دلالت بر آن دارد که در فرصت سیاسی مناسب یعنی انتخابات، نخبگان قومی با هدف کسب و حفظ قدرت و یا پاسداری از موقعیت ممتاز خویش با دست‌کاری نمادها دست به بسیج قومی می‌زنند. آنان از منافع و علایق مشترک اعضای گروه که همانا کاهش و رفع محرومیت و ارتقای جایگاه گروه قومی است، درک و برداشت مشترکی بدست می‌دهند و این‌گونه، اقدام به بسیج می‌کنند. اگر زمینه‌های تبلیغ احساس محرومیت مهیا باشد، نخبگان با ارائه شکلی واحد و یکپارچه از سمبل‌های چندگانه قومی استدلال می‌کنند که اعضای گروه از جنبه‌های متنوع با سایر گروه‌ها متفاوت هستند و از این تفاوت به‌عنوان یک نماد سود می‌جویند تا رفع محرومیت از گروه را هدف مشترک اعضای گروه جلوه دهند و به بسیج منابع پردازند. در واقع مطالبات فرهنگی گروه قومی از ماهیت اصلی خود تهی شده و سیاسی می‌شوند.

نمودار دستگاه نظری پژوهش بر اساس تلفیق نظریه‌های ساختار فرصت سیاسی، بسیج منابع و رقابت نخبگان براس



با توجه به چارچوب نظری ارائه شده، فرضیه پژوهش این است که نخبگان قومی مناطق آذری‌نشین در قالب نامزدهای نمایندگی مجلس در چارچوب فرصت سیاسی خلق شده در زمان انتخابات و با استناد به احساس محرومیت با دست کاری نمادها در راستای حفظ و یا ارتقای موقعیت ممتاز خود به بسیج منابع می‌پردازند.

در تعریف کلی؛ نماد عبارت است از چیزها، مفاهیم یا ترتیبات زبانی - مثل تکلم به زبانی خاص - یا غیر کلامی - مثل تعلق به سرزمینی خاص - یا بزرگداشت مکانی مقدس یا رخدادی ویژه که به گونه ابهام‌آمیز نشان دهنده معانی گوناگون بوده و باعث برانگیختن احساسات و هیجانات و تحکیم تعلقات و دلبستگی‌ها می‌شود. نمادها معانی واضح و قطعی ندارند اما برای انجام کنش اجتماعی و برقراری ارتباطات اجتناب‌ناپذیرند. نمادها بر مشابهت‌ها نیز دلالت دارند و اعضای یک گروه را از غیر بازشناسی می‌کنند (کریمی مله، ۱۳۹۰: ۱۸۵). نمادها و شعائر قومی نشانه‌های هویتی هستند که بر تمایز از گروه‌های دیگر تاکید می‌کنند. زبان، مذهب یا سبک پوشش از نمادهای قومی متداول هستند (Tettyey and others, 2003: 109). «اریک هابزباوم در کتاب «سنت‌های ابداعی» (۱۹۸۳) لباس‌های باستانی اسکاتلندی (تارتان) را که در قرن نوزدهم نمونه یکی

از سنت‌های ابداعی برای ملی‌گرایی در قرن نوزدهم ارزیابی کرده است (Eric Hobsbawm, 1983). جان آرمسترانگ دو گانه اسطوره- نماد را مبنای مطالعات خود در زمینه قومیت قرار داده است (اوزکریملی، ۱۳۸۳: ۲۰۱۴). در این پژوهش نماد یا شعارهای قومی به معنای دسته‌ای از نشانه‌های قومی که مورد بهره‌برداری و ارجاع نخبگان سیاسی است بکار گرفته شده است.

روش تحقیق

روش تحلیل داده‌ها در این مقاله، ردیابی فرایند^۱ است که بر ماهیت زمینه‌مندی، زمان‌مندی و فرایندی حوادث تاکید دارد. در ردیابی فرایند به مثابه یک روش کیفی، حوادث و فرایندها در بازه زمانی پژوهش بررسی و سلسله‌حوادثی که در مرحله پایانی به تولید معلول/متبیین منجر می‌شوند، روایت می‌گردند (Lorentzen, P., Fravel, M., & Paine, J, 2017) از عمده کارویژه‌های ردیابی فرایند است. بدین ترتیب کوشش برای استنباط علیت از طریق مشخص کردن و تعیین مکانیسم‌های علی را ردیابی فرایند می‌نامند. ردیابی فرایند در بردارنده تحلیل یک مورد/پدیده بر اساس توالی وقایع، حوادث (یا توالی‌های زنجیره‌ای چندین توالی متصل به هم) یا خرده پدیدارهاست (طالبان، ۱۳۸۷: ۹۶). در این تکنیک با راهنمایی چارچوب نظری، سلسله عوامل و رخدادها به نحوی روایت می‌شوند که در چارچوب زمینه و زمانه پدیدار مورد مطالعه، توالی عوامل بتواند تفسیر مناسبی برای تبیین معلول باشد.

داده‌ها به شیوه میدانی و اسنادی گردآوری شده است. این اسناد شامل نطق‌های نمایندگان مجلس شورای اسلامی، سخنرانی‌ها و بیانیه‌های انتخاباتی نامزدهای مجلس و مصاحبه «نیمه‌ساخت یافته» است. از آنجایی که دو شهر ارومیه و تبریز بعنوان دو کلان‌شهر و مرکز استان از اهمیت ویژه‌ای در منطقه شمال غرب کشور برخوردارند؛ برای مصاحبه با نمایندگان این دو حوزه، سعی شد تا نمونه‌گیری هدفمند تا حد اشباع نظری داده‌ها انجام شود که اشباع در تعداد ۷ مصاحبه حاصل شد. مبنای انتخاب نمایندگان، دسترسی به نمایندگان تبریز و ارومیه بود. دوره پژوهش به سبب نزدیکی تر بودن دوره زمانی، دور دهم مجلس است.

یافته‌ها

دهمین دوره مجلس شورای اسلامی از ۸ خرداد ۱۳۹۵ آغاز شده و تا ۶ خرداد ۱۳۹۹ ادامه خواهد داشت. کرسی‌های نمایندگی حوزه انتخابیه تبریز، آذرشهر و اسکو در اختیار زهرا ساعی، مسعود پزشکیان، محمدحسین فرهنگی، محمداسماعیل سعیدی، شهاب‌الدین بی‌مقدار و احمد علی‌رضاییگی قرار گرفت. در ارومیه، نادر قاضی‌پور نماینده دوره‌های هشتم و نهم، روح‌الله حضرت‌پور و هادی بهادری نماینده شدند. طی انتخابات دوره دهم و فعالیت مجلس دهم، نخبگان به میزان بسیار فزاینده‌ای از تحریک حس محرومیت و استفاده از علائق قومی و هویتی، برای بسیج منابع در رقابت با دیگر نخبگان و سیاست‌ورزی بهره بردند. در ارومیه این شکاف‌ها به شکل بی‌سابقه‌ای رشد کرد و الگوهای رایج رای‌دهی ایران را تحت الشعاع خود قرار داد. در دهمین دوره انتخابات مجلس و انتخابات دور دوازدهم ریاست جمهوری؛ رای‌دهی در سطح کشور، بیشتر از الگوی جناحی پیروی می‌کرد. در اغلب مناطق، نامزدها در قالب دو جناح اصولگرا و اصلاح‌طلب با یکدیگر رقابت کردند اما در ارومیه شرایط کاملاً متفاوت و رقابت قومی بسیار بارزتر از رقابت‌های جناحی بود. انتخابات ارومیه به دور دوم کشیده شد و دو نامزد آذری و دو نامزد گُرد برای ورود به مجلس با یکدیگر به رقابت پرداختند. هادی بهادری که از نظر سیاسی به جناح اصلاح‌طلب منتسب و عضو لیست امید بود در دور دوم با روح‌الله حضرت‌پور که تمایلات اصولگرایانه داشت ائتلاف کرد. حضرت‌پور در پاسخ به سوال یکی از خبرنگاران درباره ائتلاف دو نامزد آذری ناهمسوی سیاسی گفت:

«بنده بی‌تفاوت نبودم که با یکی از دوستان هم‌زبان در ائتلاف باشم... به هر حال ما باید به نسل‌های آینده درباره هویت خود پاسخگو باشیم» (حضرت‌پور (الف)، ۱۳۹۵، [www.http://durnanews.ir](http://www.durnanews.ir)).

نادر قاضی‌پور نیز با حضور در ستاد انتخاباتی حضرت‌پور از هواداران خود خواست تا به وی رای دهند و افزود:

«اگر اتحاد امروز را پیشتر داشتیم، خاک از دست نمی‌دادیم. رای بدهید، تا دنیا بداند که ما اکثریتیم» (قاضی‌پور، ۱۳۹۵، <http://durnanews.ir>).

این گزاره آشکارا نشان می‌دهد که کنشگر سیاسی، در فضایی که در پرتو فرصت انتخابات بدست آورده است، عمل بسیج سیاسی و ایجاد پایگاه رای را با دست یازیدن به عنصر قومیت و استفاده از آن برای ساختن دوگانه اکثریت-اقلیت پیش می‌برد. به این ترتیب تنها علت ائتلاف بهادری و حضرت‌پور، علی‌رغم گرایش سیاسی متفاوت، خاستگاه قومی مشترک بود. ائتلاف حضرت‌پور و بهادری نشان داد که در ارومیه شکاف قومی بر شکاف سیاسی و مذهبی غلبه دارد و نخبگان با تحریک این شکاف، انتخابات را صحنه‌گردانی می‌کنند. در همین زمینه، نماینده «ب» به شرایط خاص ارومیه در دور دوم و جو انتخاباتی منحصر به فرد آن اشاره کرد:

مردم ارومیه برخلاف باقی مناطق، به لیست امید توجه چندانی نداشتند. چند مولفه در سبب رای من تاثیر مثبت داشت. یک مولفه به نوعی رای هویت‌خواهان بود. هویت‌خواهی در ارومیه و شهرهایی که ماهیت دو قومی دارند خیلی جدی است. بخش قابل توجهی از هویت‌طلبان ارومیه که حالا به یک جریان و تفکر تبدیل شده به سمت سبد آرای من هدایت شد. گزاره فوق نشان می‌دهد انتخابات برای قوم‌گرایان یک ساختار فرصت است. نمایندگان و نامزدها انتخابات را به مثابه فرصت سیاسی قلمداد کرده و از کارت قومی برای جمع‌آوری رای استفاده می‌کنند. نماینده «پ» بر این باور است که ارومیه هیچ زمان به اندازه انتخابات مجلس دهم شاهد بروز مسائل قومی نبوده است. وی عنوان کرد علیه خود او نیز که سابقه دو دوره نمایندگی داشت کمپین قدرتمندی به راه افتاد و معتقد است اگر جو قومی دوقطبی انتخابات می‌شد به طور حتم می‌توانست به مجلس راه یابد اما چون از این کار پرهیز کرد از راه‌یابی به مجلس باز ماند:

در مقابل من دو نامزد جدید آمدند که استارت قوم‌گرایی افراطی را در انتخابات ارومیه زدند. مرا متهم کردند که از کردها حمایتی نکردم. یک نماینده آذری هم دوره من نیز، در تبلیغات و سخنرانی‌ها شعارهای قومی قدرت‌مندی می‌داد و حرف‌هایش جوانان گرد را تهییج کرد. کردها سعی می‌کردند علاوه بر استفاده از نمادهای معمول گردی مثل زبان و رقص، از نمادهای کردستان بزرگ یعنی پرچم استفاده کنند.

توسل به مسائل قومی در جریان انتخابات برای بسیج رای دهندگان و دست‌یابی به بخش بزرگ‌تر سبد رای، رایج بود. در واقع، انتخابات بعنوان فرصتی بزرگ و کم‌تکرار، عرصه رقابت‌های قومی برای رسیدن به منافع سیاسی شد.

در تبریز نیز وضع به همین منوال بود، هرچند در این زمینه تفاوت‌هایی را می‌شود برشمرد. انتخابات در این شهر مانند ارومیه فرصتی برای نامزدهای مجلس بود تا با استفاده از نمادهای قومی شانس ورود خویش به مجلس را افزایش دهند. در عین حال به سبب نبود تنوع قومی، نخبگان بیشتر به شکاف‌های قومی با مرکز توجه داشتند؛ یک‌دستی بافت قومی در تبریز، رفتار نامزدها را در نمادسازی‌های قومی به سمت غیریت‌سازی با مرکز کشاند. در همایش بزرگ حامیان مسعود پزشکیان وی گفت:

«یک عده آدم نااهل به ما می‌گویند شما نمی‌توانید به زبان خودتان صحبت کنید. ما هم جرات نمی‌کنیم بگوییم شما کی هستید که اجازه نمی‌دهید ما با زبان خودمان صحبت کنیم؟» (www.aparat.com, 1394).

نماینده «پ» انگیزه اصلی نمایندگان از کنار گذاشتن وعده‌های اقتصادی و جایگزین کردن شعارهای قومی با آن، عنوان کرد که معمولاً وعده‌های اقتصادی عملی نمی‌شود و مردم به سمت وعده‌های غیراقتصادی می‌روند. وی رقابت بین نخبگان را نیز متأثر از همین نمادگرایی می‌داند و معتقد است در جریان انتخابات، بین‌گردها و آذری‌ها به شکل درون‌گروهی نیز رقابت بر مبنای نمادسازی وجود داشت:

در فضای قومی وقتی از وحدت و برابری و برادری و کشور مشترک سخن می‌گویم کسی آنرا نمی‌شنود. رقابتی از جایگاه برجسته برخوردار نبودند ولی با تکیه بر شعارهای قومی پیش‌تاز شدند.

در انتخابات دهم مجلس و پس از آن، بر محرومیت آذربایجان و اینکه آذربایجان به سبب بی‌عدالتی هنوز به جایگاهی که شایسته آن است نرسیده، تاکید زیادی شد. حضرت‌پور در دومین همایش حامیان خویش گفت:

«ارومیه می‌بایستی توسعه یابد، راه آهن می‌بایستی به ارومیه برسد، از روستاها باید فقرزدایی گردد. آیا مردم ارومیه شایستگی کویر شدن دریاچه نیلگون ارومیه را داشتند؟» (حضرت‌پور، ۱۳۹۴، www.javanpress.ir).

مالیات‌های استانی سال ۹۶ نیز مورد اعتراض برخی از نمایندگان قرار گرفت. نمایندگان، مالیات استان‌ها را با هم مقایسه کرده و در نتیجه سهم آذربایجان در مالیات را مصداق

بی‌عدالتی دانستند. محمداسماعیل سعیدی در نامه‌ای از تحمیل مالیات سنگین بر مردم آذربایجان گلایه کرد:

«رشد مالیات استان آذربایجان شرقی طبق روال هر سال منجر به فرار سرمایه‌گذاران از این استان به استان‌های دیگر مخصوصاً تهران و وارد ساختن خسارات جبران‌ناپذیر گردیده است» (سعیدی، ۱۳۹۵، www.yolpress.ir).

نمایندگان به وضعیت پروژه‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری‌ها در شمال غرب کشور نیز معترض هستند. در این حوزه این موضوع مطرح می‌شود که علی‌رغم استعدادها و ظرفیت‌هایی که در شمال غرب کشور وجود دارد سرمایه‌گذاری دولت در این منطقه کافی نیست و همین امر نیز سبب بیکاری و فقر در منطقه شده است. نمایندگان ضمن مقایسه میزان سرمایه‌گذاری‌ها و پروژه‌های عمرانی دولتی در شمال غرب با سرمایه‌گذاری‌ها و پروژه‌های دولتی در استان‌های مرکزی، این احساس محرومیت گروهی را تقویت می‌کنند. در همین راستا قاضی‌پور در اغلب سخنرانی‌هایش دوگانه برخوردار/محروم را مطرح می‌کند:

«بعد از انقلاب هیچ ارگان دولتی در آذربایجان غربی کارخانه نساخته است. ما تنها استانی هستیم که کمربندی نداریم» (قاضی‌پور، ۱۳۹۵).

وی همچنین در جریان سفر رییس‌جمهور (حسن روحانی) در خرداد ۹۵ درخواست‌های زیر را مطرح کرد:

دستور بدهید آقای نوبخت پول راه‌آهن ارومیه را بدهد. پول ما را به راه‌آهن قزوین و رشت داده‌اید. چهار درصد جمعیت کشور در استان آذربایجان «غریب» (غربی) است ولی سرمایه‌اندکی از کشور در این استان است. انتظار داریم سهم آذربایجان غربی را از منابع مالی به این استان اختصاص بدهند نه این که برای راه‌آهن ما که ۷۰ درصد پیشرفت دارد ۳۵ درصد اعتبار اختصاص یافته ولی به راه‌آهن ۳۲ درصدی رشت ۷۰ درصد اختصاص بدهند (قاضی‌پور، ۱۳۹۵، www.anaj.ir).

در تمامی این موارد بر این مسئله تاکید می‌شود که حق آذربایجان ضایع شده و به دیگر استان‌ها داده می‌شود. نخبگان سیاسی پارلمانی با استفاده از ضعف اقتصادی و طرح محرومیت و تقویت پاره‌گفتارهای بازنمایی‌کننده محرومیت، به دنبال پیوند میان محرومیت و هویت قومی هستند تا از خلال برقراری این پیوند، خود را ناجی هر دو معرفی کنند. در تأیید این مدعا می‌توان از گفتار یکی از نمایندگان در مصاحبه با پژوهشگران استفاده کرد. نماینده «ث» اما معتقد است نگاه تبعیض‌آمیزی وجود ندارد:

«گفتن این نوع حرف‌ها برای پوشاندن ضعف‌گوینده است. نماینده پیگیری نمی‌کند و چشم باز می‌کند می‌بیند بودجه به جای دیگری رفته است که البته بر طبق قانون هم بوده است».

سخنان حضرت پور، سعیدی و قاضی‌پور در تعارض با سخنان نماینده «ث» است، نامبرده از نمایندگان ادوار سابق مجلس بوده است. در مصاحبه‌ای که با وی انجام شد، به خوبی نشان داده که نامزدها یا نمایندگان با برجسته کردن برخی مصادیق کمبودهای اقتصادی و توسعه منطقه‌ای، احساس محرومیت نسبی را به رای‌دهندگان القا و به این ترتیب سازوکاری برای بسیج‌گری در فرصت انتخابات مهیا می‌کنند. زمانی که آگاهی از محرومیت‌های عینی ایجاد می‌شود، می‌توان بروز نارضایتی را به سهولت پیش‌بینی کرد. برشمردن قابلیت‌های جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی یک منطقه و مقایسه آن با مناطق دیگر در همین راستا قابل بررسی است. حضرت پور در نامه‌ای به رییس جمهور نوشت:

روا نیست گردشگری ایران در چند شهر مرکزی یا در شمال کشور یا یکی دو جزیره در خلیج فارس محدود بماند و جاذبه‌های گردشگری بقیه نقاط ایران از جمله ارومیه مغفول بماند (حضرت پور، ۱۳۹۵، www.durnanews.ir).

در مجلس دهم، مشکلات زیست‌محیطی شمال غرب کشور مانند قبل مورد توجه بود. سعیدی درباره رفتار تبعیض‌آمیز با دریاچه ارومیه گفت:

برای احیای دریاچه ارومیه بودجه نمی‌دهند اما پروژه‌های زادگاه نوبخت را پیش می‌برند. در حالی برای دریاچه ارومیه اعتبارات لازم تخصیص پیدا نکرده است که برای پروژه‌های عمرانی استان گیلان توجه خوبی وجود دارد (سعیدی، ۱۳۹۵، www.anaj.ir).

تقلیل‌گرایی در تحلیل وضعیت دریاچه ارومیه و جستجوی راه‌حل مشکل در انتخاب کارگزاری که اهل آذربایجان باشد، آشکارا به مسأله زیست‌محیطی رنگی قومی می‌دهد، اما همین منطق ساده‌ساز توان جلب نظر مثبت توده‌ها را در شرایط انتخابات دارد. می‌توان در مقام ارزیابی این گزاره را مطرح کرد که بر اساس این منطق، در زمان تصدی سید پرویز فتاح قره‌باغی (زاده ارومیه)، وزیر نیروی دولت نهم، این بحران بایستی به بهترین نحو مدیریت می‌شد.

نماینده «ج» معتقد است که خیلی از نمایندگان به حقایق توجه نمی‌کنند و چون دریاچه برای مردم اهمیت ویژه‌ای دارد از احساسات مردم در این زمینه استفاده می‌کنند. وی بر این باور است انگیزه نمایندگان از نگفتن حقایق درباره دریاچه ارومیه می‌تواند گوناگون باشد:

«نمی‌شود گفت فقط انگیزه تامین خوراک انتخاباتی است. برخی‌ها نیز میانه قوی با دولت ندارند و می‌خواهند به این ترتیب به دولت انتقاد کنند و رقابت‌های جناحی دارند».

بهادری پیش از انتخابات مجلس دهم زمانی که رئیس ستاد احیای دریاچه ارومیه بود گفت:

«خطر جدی است. این حرف‌ها باید از تریبون مجلس زده شوند. یک‌سری آدم‌ها دنبال بهانه می‌گردند که این بودجه‌ها را به استان‌های دیگر ببرند» (بهادری، ۱۳۹۴، www.ainanews.com).

فعالیت‌های تخریب‌کننده انسانی در ایجاد وضعیت بحرانی دریاچه، تاثیر جدی داشته است (AghaKouchak et al, 2013). اما نخبگان قومی با نادیده گرفتن اقدامات آسیب‌زای مردم حوزه انتخابیه، نقش عوامل دیگر به‌ویژه بی‌توجهی دولت را در ایجاد وضعیت بحرانی دریاچه و تداوم آن، پررنگ جلوه می‌دهند. زبان مادری و بحث آموزش به زبان مادری در انتخابات مجلس دهم و پس از آن، همچنان از موضوعات مورد علاقه نخبگان قومی بوده است. زبان در فرایند کنشگری نخبگان محلی نقشی پررنگ برای تمایز آفرینی و تقویت هویت قومی ایفا کرده است.

قاضی پور به رییس قوه قضاییه در خصوص محکومیت متهمین پرونده تجمع خانگی روز جهانی زبان مادری نامه نوشت و درخواست کرد دادگاه تجدیدنظر به متهمین فرصت دهد (قاضی پور، ۱۳۹۶).

بهادری نیز با انتشار عکسی با عنوان روز جهانی زبان مادری در صفحه رسمی اینستاگرامش با شرح «نئچه دیل بیله نه؛ نئچه آدام دییرلر؛ اوز دیلین بیلیمه نه؛ نئچه آدام دییرلر»/ آنکه چند زبان بدانند چند انسان است و کسی که زبان مادری خودش را نداند انسان نیست، این روز را گرامی داشت (بهادری، ۱۳۹۶).

توجه نخبگان به زبان محلی یا مادری را می‌توان در قالب مطالبه تدریس زبان مادری در مدرسه، چاپ کتاب‌های درسی به این زبان، پیگیری تاسیس فرهنگستان زبان ترکی و راه‌اندازی شبکه‌های ترکی مستقل بررسی کرد. برخی از نخبگان، اولویت‌های خود را در صورت راه‌یابی به مجلس مطالبات زبانی عنوان می‌کنند؛ همچنان که شهاب‌الدین بی‌مقدار تاسیس فرهنگستان زبان ترکی و اجرایی شدن اصل ۱۵ را اصلی‌ترین اولویت خود در صورت راه‌یابی به مجلس دهم اعلام کرد (بی‌مقدار، ۱۳۹۵، www.gaame2az.ir).

قاضی پور از رییس جمهور خواست:

«تدریس زبان آذری را در دانشگاه‌های ما آزاد کنید چون در استان‌های دیگر این مجوز را دادید» (قاضی پور، ۱۳۹۶).

بهادری نیز همزمان اجرای اصول قانون اساسی و تاسیس شبکه ترکی را مطالبه می‌کند:

ما خواهان اجرای کامل اصل ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی و تدریس زبان ترکی در مدارس آذربایجان هستیم. از صدا و سیما تقاضا دارم زمینه ایجاد نخستین شبکه ملی به زبان ترکی - آذربایجانی را فراهم نماید (بهادری (الف)، ۱۳۹۵، www.farsnews.com).

حضرت پور نیز در کنفرانس خبری با اصحاب رسانه پیش از برگزاری دور دوم انتخابات گفت:

تدریس زبان مادری نه تنها در سطح آموزش‌شکده‌ها بلکه بایستی در سطح مدارس ابتدایی تا دانشگاه‌ها انجام شود. ما بدون تدریس زبان مادری اقوام نمی‌توانیم از رشد و توسعه کشور در بخش فرهنگ حرفی بزنیم (حضرت پور (ب)، ۱۳۹۵، www.durnanews.ir).

حضرت پور با این که مطالبات زبانی را قانونی می‌داند و مبنای آن را اصل ۱۵ قرار می‌دهد فراتر از این اصل خواهان تدریس زبان مادری هم می‌شود. اصل پانزدهم تنها تدریس ادبیات زبان‌های محلی در مدارس در کنار زبان فارسی را آزاد دانسته و در آن اشاره‌ای به تدریس زبان مادری در سطح مدارس نشده است.

مسائل تیم تراکتورسازی تبریز، دیگر تیم‌ها و ورزشکاران آذربایجانی نیز در مجلس دهم پیگیری شد. علیرضاییگی در سخنرانی میان‌دستور خود گفت:

«تراکتورسازی نباید در اندازه و قواره یک تیم استانی دیده شود. همانند پشتیبانی که دولت از پرسپولیس و استقلال می‌کند انتظار حمایت از این تیم را داریم» (علیرضاییگی، ۱۳۹۶، www.mehrnews.com).

نخبگان قومی همان‌طور که در حوزه سیاسی، گفتمان سومی به نام هویت‌خواهی را وارد کرده‌اند در عرصه ورزش نیز به دنبال تقویت تیم تراکتورسازی به عنوان نیروی سوم در برابر دو تیم پرطرفدار باشگاهی هستند. در واقع بال ورزشی هویت‌خواهی، در حمایت از تیم‌ها و ورزشکاران آذربایجانی فعال شده است. به‌زعم برخی از نخبگان آذری، هویت‌خواهی؛ گفتمانی تازه است که باید به شکل ویژه‌ای مورد توجه قرار گیرد. بدین ترتیب یک تیم فوتبال و یک تیم والیبال، به مثابه یک نماد سیاسی در فرایند کنش نخبگان دخیل در انتخابات مجلس مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

پس از شکست تیم فوتبال تراکتورسازی از پرسپولیس، قاضی‌پور گفت:

«دست‌هایی در کار بود تا تیم ما قبل از بازی با پرسپولیس به این روز بیفتد» (قاضی‌پور، ۱۳۹۵، cup.ir).

پس از محرومیت دو تن از بازیکنان باشگاه والیبال شهرداری ارومیه، حضرت پور رای فدراسیون را یک‌جانبه خواند و گفت:

«آذربایجان بیش از این غرض‌ورزی به جامعه ورزشی‌اش را تحمل نخواهد کرد. امیدواریم فدراسیون والیبال با تغییر این رای شائبه وجود جریان ضد والیبال ارومیه در بدنه فدراسیون را از بین ببرد» (حضرت‌پور، ۱۳۹۵، www.yolpress.ir).

نخبگان قومی گاهی از پوشش‌های سنتی بعنوان نماد قومی در مناسبت‌های رسمی و غیررسمی استفاده می‌کنند. بهادری در صحن علنی مجلس در حالیکه لباسی نامتعارف بر تن کرده بود از مشکلات استان آذربایجان غربی سخن گفت. وی این لباس را لباس سنتی آذربایجان و لباس قهرمانان ملی نامید و گفت:

«ما مردم آذربایجان خواهان شدیدترین برخوردها با افراد توهین‌کننده به هویت تاریخ و فرهنگمان هستیم و اجازه نخواهیم داد تفرقه‌افکنان داخلی و خارجی هر از گاهی با طرح برخی مطالب سخیف به این مردم باغیرت جسارت کنند» (بهادری (ب)، ۳۹۵، www.farsnews.ir).

بهادری در مصاحبه با نگارنده از این لباس بعنوان یک نماد قومی نام برد و در خصوص این اقدام گفت:

«پوشش من بسیار زیاد مورد توجه قرار گرفت. خیر پوشش سنتی من در شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های خبری خیلی بازدید داشت. توده مردم به شدت از این حرکت لذت بردند».

این اظهارات بهادری را می‌توان در راستای تمایزگذاری یا گدگذاری قومی تحلیل کرد؛ یعنی وضعیت فرضی که در آن، همه قومیت‌ها از روی نشانه‌ها و نمادهای عینی قابل تشخیص و تمایز هستند. انحصاری کردن نمادهای برجسته و تاثیرگذاری مانند پوشش، ظرفیت بسیج‌گری را افزایش می‌دهد و نخبگان قومی را به اهداف انتخاباتی یا سیاسی خود نزدیک‌تر می‌سازد. یکی دیگر از بارزترین نمادهای بهره‌برداری نخبگان از مباحث قومی، تاسیس فراکسیون مناطق ترک‌نشین با یکصد عضو در مجلس دهم بود. علت تاسیس این فراکسیون از ابتدا در حاله‌ای از ابهام بود و هر کدام از اعضا، نظر متفاوتی در این زمینه داشتند. پزشک‌کیان رییس فراکسیون مذکور با دفاع از تشکیل این فراکسیون گفت:

«برخی به دنبال حذف یک قومیت هستند. گاهی حتی برخی در جهت انکار یک قومیت حرکت می‌کنند» (پزشکیان، ۱۳۹۵، www.isna.ir).

وی عنوان می‌کند چون عده‌ای در حال حذف و انکار یک قومیت هستند، نخبگان قومی با استفاده از ظرفیت‌های قانونی در تلاشند تا این حملات را خنثی کنند و فضای حیاتی برای گروه قومی بوجود بیاورند. اما اشاره‌ای نمی‌کند که این محدودیت‌ها در چه زمینه‌ای وجود دارد و آیا گروه قومی که وی به آن منتسب است از دایره قدرت، ثروت و منزلت کنار گذاشته شده است یا خیر؟ سخنان وی در تناقض با منصب و سمت‌هایی است که اعضای گروه قومی منسوب وی از آنها برخوردار بوده‌اند.

بیمقدار معتقد است:

«اکثریت مناطق ایران دارای جمعیت تُرک است. مناطق تُرک‌نشین باید توسعه پیدا کند. باید قبول شود که ۴۰ میلیون تُرک در ایران وجود دارد» (بیمقدار(ب)، ۱۳۹۵، www.Yolpress.ir).

وی به چند نکته مهم اشاره می‌کند. اول اینکه تعداد قابل توجهی از مناطق ایران را تُرک‌نشین می‌داند بدون اینکه نسبت جمعیتی را در این استان‌ها در نظر بگیرد. در آخرین سرشماری نفوس و مسکن، جمعیت آذری‌های ایران که بیشتر در استان‌های شمال غرب و هم‌جوار ساکن هستند کمتر از ۲۵ درصد کل جمعیت کشور است (amar.org.ir, 1395). دوم این که علی‌رغم وجود مجراهای قانونی مثل مجمع نمایندگان استان، علت تاسیس فراکسیون را توسعه مناطق تُرک‌نشین می‌داند و این باور را تقویت می‌کند که تُرک‌ها به چشم نمی‌آیند و نخبگان قومی با تاسیس فراکسیون، آن‌گونه که شایسته است جایگاه و منزلت تُرک‌ها را احیا خواهند کرد.

علیرضاییگی می‌گوید:

«همدلی و همراهی همکاران تُرک در مجلس شورای اسلامی باعث شد آقای پزشک‌یان بتواند با رای قاطع ۱۵۴ نفر از نمایندگان، به عنوان نائب رئیس اول مجلس انتخاب شود» (علیرضاییگی، ۱۳۹۵، www.farsnews.com).

از این منظر، هیچ فاکتور دیگری به جز تُرک بودن در انتخاب پزشک‌یان به عنوان نایب رئیس مجلس، تعیین‌کننده نبوده است. قاضی‌پور درباره انتخاب اعضای کابینه دوازدهم، به موضوع وزرای تُرک در کابینه دوازدهم اشاره کرد:

«آقای رییس جمهور! در معرفی وزرا، سهمیه وزرای تُرک باید افزایش یابد. اگر وزرای تُرک زبان معرفی نشوند از فراکسیون مناطق تُرک‌نشین که صد و ده نماینده دارد انتظار نداشته باشید به کابینه شما رای بدهند» (قاضی پور، ۱۳۹۶، www.alef.ir).

وی از فراکسیون بعنوان اهرمی برای فشار به رییس جمهور منتخب استفاده می‌کند تا مطالبات خود را دنبال کند. نخبگان قومی سعی داشتند در جریان رای اعتماد، نوعی اتحاد قومی را به نمایش بگذارند.

نماینده «ب» به عدم کارایی مجراهای قانونی برای پیگیری مطالبات هویتی گروه قومی‌اش اشاره کرد و گفت:

وقتی بحث تُرک مطرح می‌شود دیگر نمی‌توان از آذربایجان شرقی و غربی سخن به میان آورد. مجامع استانی پاسخگوی این مسئله نیست و برای احیای هویت تُرک‌ها از جمله زبان مادری و مطالبات تاریخی و فرهنگی و قومی به چیزی مشابه فراکسیون تُرک‌زبان و یا مناطق تُرک‌نشین نیاز است.

نماینده «پ» فراکسیون را تامین خوراک انتخاباتی برای دوره‌های بعد می‌داند:

این مسئله سیاسی است و سبد رای را پُر می‌کند. نمایندگان همیشه در مسیری حرکت می‌کنند که برایشان رای آور باشد. ما مجامع استانی داریم که راحت می‌توانند خواسته‌ها و کمبودها را با هر مسئولی در هر سطحی مطرح کنند.

برخی از نامزدها در جریان فعالیت‌های انتخاباتی و پس از ورود به مجلس، نسبت به تغییر هویت و بافت اجتماعی ارومیه هشدار می‌دادند تا از این طریق همبستگی میان قومی را افزایش دهند. آنها شاخص‌های قومی گروه خود مثل زبان، مذهب، موسیقی و پوشش را برجسته کردند تا بین گروه خود و گروه رقیب تمایز ایجاد کنند. در پی چاپ مطلبی با عنوان «همنشینی مسالمت‌آمیز اقوام و مذاهب در مرز و بوم ایران» قاضی پور گفت:

«به خاطر جعل تاریخ و هویت ارومیه از روزنامه همشهری به دادگاه انقلاب شکایت خواهیم کرد. جعل تاریخ و هویت مردم آذربایجان را تحمل نخواهم کرد» (قاضی پور، ۱۳۹۵، www.yolpress.ir).

این گزارش، ارومیه را تا اواخر قرن دهم هجری یک شهر عمدتاً گُردنشین و سنی‌مذهب معرفی کرد. بهادری نیز خواهان برخورد قضایی با این نشریه، اخراج خبرنگار و عذرخواهی رسمی نشریه شد (بهادری، ۱۳۹۵، www.durmanews.ir). حضرت‌پور نیز آن را جعل ناشیانه تاریخ آذربایجان نامید (حضرت‌پور (ب)، ۱۳۹۵، www.durmanews.ir).

شواهد تجربی نشان می‌دهد، نخبگان قومی در فرصت سیاسی انتخابات دوره دهم مجلس، به شکل گسترده و نظام‌مند از دست‌کاری نمادها و تحریک حس محرومیت نسبی به منظور بسیج منابع استفاده کردند. تبریز و ارومیه از ظرفیت‌های لازم و کافی برای نمادسازی نخبگان برخوردارند و انتخابات فرصتی مناسب است تا نخبگان بتوانند از این ظرفیت‌ها بهره‌مند شوند. آموزش زبان مادری و اجرایی شدن اصل ۱۵ قانون اساسی، تاسیس فرهنگستان زبان ترکی، تاسیس شبکه مستقل ترکی، وضعیت بحرانی دریاچه ارومیه، مسائل و مشکلات تیم‌های ورزشی مثل تراکتورسازی، پروژه‌های عمرانی، بودجه و مالیات، حضور اقوام دیگر و... این ظرفیت‌ها را فعال کرد. به سبب تنوع قومی ارومیه، شکاف‌های قومی بر شکاف سیاسی و مذهبی غلبه کرد و نخبگان روی این شکاف‌ها بیشتر متمرکز شده و به آن دامن زدند. اما در تبریز که از بافت قومی تقریباً یک‌دستی برخوردار است این مسئله کم‌رنگ‌تر بود و بیشتر شکاف با مرکز تحریک می‌شد. تاثیرگذاری تبلیغات قومی به اندازه‌ای بود که حتی نمایندگانی که در مصاحبه عنوان کردند که این شیوه رقابت مخرب است، خواسته یا ناخواسته از فاکتورهای قومی برای جلب نظر رای‌دهندگان کمک گرفتند. یکی از نمایندگان ارومیه در آخرین نطق خود در فرصت اندکی که در اختیار داشت خواستار اجرایی شدن اصل ۱۵ و تاسیس فرهنگستان زبان ترکی شد.

نتیجه‌گیری

نامزدهای نمایندگی مجلس در تبریز و ارومیه، در فرصت سیاسی انتخابات به منظور «بسیج قومی» به دست‌کاری نمادها روی می‌آورند که به نظر می‌رسد هدف نهایی آنها حفظ و صیانت از موقعیت ممتاز خود برای پیروزی در انتخابات است. پس از انتخابات نیز از نمادسازی برای سیاست‌ورزی استفاده می‌کنند. این نمادگرایی و بسیج‌گری در خصوص آذربایجان در حوزه زبان مادری، محرومیت فرهنگی، محرومیت اقتصادی، کاهش بودجه‌های اختصاصی از مرکز و مسائل محیط زیستی نمود پیدا کرده است.

براس بر این باور است که نخبگان در رقابت بر سر قدرت، منزلت و منابع مادی می‌کوشند با دست‌کاری ارزش‌های بومی توده‌ها، به پشتیبانی عمومی دست پیدا کنند و در این راه بر منافع شخصی خود نقاب می‌زنند. آنها هویت قومی را در تقابل با هویت ملی ترسیم می‌کنند و اگر تقابل ذاتی وجود نداشته باشد به برساخت آن دست می‌زنند. کنترل این منابع نمادین به منزله دسترسی آنان به یک جایگاه نسبتاً دائمی است. انتخابات یک فرصت سیاسی بی‌نظیر است تا نخبگان در یک میدان رقابتی بزرگ بتوانند منابع بی‌شمار و متعدد را برای حل نارضایتی‌ها بسیج کنند.

این فرایند در مورد نخبگان آذری به صورت چند لایه قابل مشاهده است. نخست اینکه آنها از طریق تاکید بر محرومیت گروهی در پی ایجاد همبستگی میان گروهی هستند و سپس با یادآوری توانایی‌های متعدد، به احساس شایستگی اعضا دامن می‌زنند. دوگانه حقارت - شایستگی به مثابه موتور محرکه توده و منبع رای و قدرت عمل می‌کند. دوم، این گروه از نخبگان از همین طریق با مرکز به چالش بر می‌خیزند و سیاست‌های حاکمیت در مورد استان‌ها و مناطق خود را زیر سوال می‌برند و از طریق مطالبه‌سازی، خود را نماینده یک گروه قومی یا زبانی معرفی می‌کنند و سوم، این نخبگان با سایر سیاست‌مداران «محلی» رقابت می‌کنند که آنان نیز به دو دسته تقسیم می‌شوند. نخست سیاست‌مدارانی که قائل به این رویکرد نیستند، از سیاست‌های مرکز به نوعی دفاع کرده و یا اصالتی برای مطالبات قومی قائل نیستند و دوم نخبگان قومی که آنها نیز در انتخابات به مطالبه‌گری قومی - زبانی روی آورده‌اند. در این حالت وضعیت رقابت‌جویی و تنوع در طرح مطالبات ظهور می‌کند. در اینجا نخبگان ممکن است با طرح ایرادات جناحی (اصول‌گرا یا اصلاح‌طلب)، نخبه رقیب یا جناحی که به آن منتسب است را (بسته به اینکه در هیات حاکمه حضور داشته باشند یا نه) در زمینه مطالبات قومی متهم به بی‌عملی یا نبود برنامه‌ریزی کنند. طرف مقابل نیز ناچار است در همین قالب، سیاست‌ورزی کند و به این ترتیب، چرخه‌ای از مطالبه‌گری های قومیتی بوجود می‌آید. هر یک از نخبگان برای اثبات اصالت ادعاهای خود، مطالبه‌گری را افزایش داده و میدان‌های جدیدی برای طرح مسائل مشابه ایجاد می‌کند.

آموزش زبان «محلی» در مدارس از سوی چندتن از نامزدها در مراحل مختلف انتخابات مجلس (از دور پنجم) مطرح شد، ولی همین مطالبه در همان دوره یا دوره‌های بعدی از سوی بقیه نامزدها تبدیل به «آموزش زبان مادری» در «مدارس» و سپس

«دانشگاه‌ها» شده است که عرصه‌هایی جدید در رقابت بین خود نامزدهاست. ارتقای جایگاه زبان قومی فقط به آموزش ختم نشده و تاسیس فرهنگستان زبان ترکی و شبکه مستقل ترکی نیز به مطالبات زبانی اضافه شد. زمانی که همه یا بیشتر نخبگان قومی به نمادهایی چون محرومیت نسبی و زبان مادری روی آوردند، تفاوت آنها با یکدیگر ناچیز شد، بنابراین میدان‌های جدید دیگر مانند ورزش و محیط زیست به این نمادسازی‌ها اضافه شد. برخی از نامزدها شعار یا نمادهای دست‌کاری شده را نیز یک‌بار دیگر دست‌کاری کردند. مطالبه آموزش زبان مادری به آموزش «به» زبان مادری در مدارس تغییر پیدا کرد. طرح همین مطالبه در دانشگاه‌ها به صورت یک رشته خاص در مقطع لیسانس یا دو واحد اختیاری یا اجباری نمونه دیگری از این دست‌کاری دوباره است. هنگامی که بازار از کالای فرهنگی اشباع شد، موارد دیگری مانند فرهنگستان زبان آذری یا ترکی، شبکه سراسری ترکی، جرم‌انگاری توهین به ترک‌ها یا آذری‌ها، درج نمادهای آذربایجان بر روی اسکناس‌ها، احیای دریاچه ارومیه، لباس آذربایجانی و انتخاب وزیر آذری در کابینه به سبب مطالبات افزوده شد.

نخبگان به گونه‌ای به بسیج‌گری قومی می‌پردازند که باعث ساده‌سازی، تحریف و حتی گزینش عامدانه سمبل‌ها و رویدادها شود. ممکن است لباس و رقص لژگی (از اقوام قفقاز شمالی) تبدیل به نماد فرهنگی آذربایجان شود یا یک نماینده ادعا کند که زبان ترکی شش هزار سال پیشینه دارد. هرچند ادعای نخبگان در طرح مطالبات قومی این است که آنها خواسته‌های رای دهندگان را نمایندگی می‌کنند؛ در عین حال قبل از اینکه توده ادعایی در طرح این تقاضاها داشته باشند؛ با تکرار و سرایت، تصور آنها را شکل می‌دهند. نخبگان خواسته‌های خود را مطالبه توده نشان می‌دهند و همه هنر آنها این است که بتوانند این «قلب» را به سایرین بیاورانند. از سوی دیگر نخبگانی که قادر به راه‌یابی به مجلس می‌شوند، هر از گاهی برای حفظ و صیانت از پایگاه رای و موقعیت ممتاز خود طی نطق، گفتگو با رسانه‌ها، درج پیام در شبکه‌های اجتماعی به مساله قومی دامن می‌زنند. برای نمونه مطرح کردن لباس آذربایجان در مجلس از سوی هادی بهادری (نماینده ارومیه) دست‌کاری یک نماد مشخص (لباس قفقازی یا قاجاری) به‌منظور جلب توجه بود.

نخبگان قومی تبریز و ارومیه در جریان نمادسازی، از آذربایجان واحد یا ترک‌های سراسر کشور نام می‌برند. بسیاری از موضع‌گیری‌های نمایندگان ارومیه در مواردی که

مربوط به حوزه انتخاباتی تبریز است در همین چارچوب قابل تحلیل است. تاسیس فراکسیون مناطق ترک‌نشین نیز تایید دیگری بر این مدعاست. نخبگان با اینکه کنترل کامل روی ساختار ندارند گاهی اما بوجود آورنده ساختارها هستند. در سطح نظام سیاسی چند نوع ساختار فرصت سیاسی قابل شناسایی است که می‌توان از بین آن به گفتمان‌ها اشاره کرد (منوچهری، ۱۳۹۰: ۱۰۷). گفتمان‌ها لبریز از نشانه‌هایی هستند که برای هوادارن ایجاد تمایز و معنا و هویت‌های جدید خلق می‌کنند. در زمان انتخابات، گفتمان‌ها رودرروی هم قرار می‌گیرند و رقابت می‌کنند. نخبگان با ترویج گفتمان‌های قدیمی و یا خلق گفتمان‌های جدید در این رقابت با یکدیگر زور آزمایی سیاسی می‌کنند. از آن سو، خلق دستاوردهای اندک اقتصادی، عمرانی و فرهنگی در حوزه‌های انتخاباتی می‌تواند فضا را برای دست‌کاری نمادها آماده‌تر کند. نخبگان به تناوب به توده یادآوری می‌کنند که مستحق داشتن جایگاهی به مراتب بالاترند. نخبگان قومی با مقایسه‌هایی که با مرکز یا استان‌های دیگر انجام می‌دهند احساس محرومیت را به میان توده‌ها می‌برند.

کنشگران باید متقاعد شوند که کنش‌های آنان ضروری و مشروع است؛ بنابراین بازی در فضای فرصت انتخاباتی که به واسطه آن گردش قدرت بدون خشونت صورت می‌پذیرد این مشروعیت را تامین می‌کند. ضرورت اقدام و عمل نیز از همان احساس محرومیت و تبعیض سرچشمه می‌گیرد. در این میان، اعضای گروه قومی می‌کوشند به نفع گروه دست به تغییر در عرصه سیاسی بزنند و از گفتمانی پیروی کنند که حقوق آنان را مطالبه می‌کند و در نهایت سبب منزلت گروه قومی خواهد شد. در برخی مواقع احساس محرومیت برآیند واقعیت‌ها و در برخی موارد نیز تبلور تصورات مبهم و غیرواقعی است. اما آنچه در این زمینه از اهمیت برخوردار است منفعتی است که برای نخبگان حاصل می‌آید. تبلیغ گفتمان سوم که از آن با نام گفتمان «هویت‌خواهی» یاد می‌شود به‌همین منظور صورت می‌گیرد. مقایسه پی‌درپی آذربایجان با مرکز و مناطق دیگر از سوی نخبگان و تزریق آن به گروه قومی، اینپرسش را در ذهن توده بوجود می‌آورد که بالاخره، شأن «من» و «ما» ی قومی آنان چه روندی طی کرده است؟ توان اقتصادی فردی، اجتماعی و قومی آنها در مقایسه با دیگران در چه سطحی است؟ آیا شاخص‌های فرهنگی گروه قومی آنان مانند زبان، مذهب، سمبل‌ها و اسطوره‌ها دیده می‌شود یا در درون جامعه بزرگ‌تر از یاد رفته است؟ جایگاه

گروه قومی با توجه به گذشته در آینده به چه سمت گرایش خواهد یافت؟ همین امر محملی برای نخبگان است تا در فرصت سیاسی ایجاد شده در زمان انتخابات سیاست‌ورزی کرده و در چارچوب طرح مطالبات قومی، منافع خود را پیگیری کنند.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Faez Dinaparasti



<https://orcid.org/0000-0000-7329-2794>

منابع

- احمدی، حمید، (۱۳۸۲)، قومیت و قوم‌گرایی در ایران افسانه و واقعیت، تهران: نی.
- احمدی، حمید، (۱۳۸۸)، بنیادهای هویت ملی ایرانی چارچوب نظری هویت ملی شهروندمحور، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- اوزکریملی، اوموت، (۱۳۸۳)، نظریه‌های ناسیونالیسم، ترجمه محمدعلی قاسمی، تهران: موسسه مطالعات ملی.
- تیلی، چارلز، (۱۳۸۵)، از بسیج تا انقلاب، ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- طالبان، محمدرضا، (۱۳۸۷)، «تاملی بر تکنیک «ردیابی فرآیند» در مطالعات انقلاب اسلامی ایران»، پژوهشنامه متین، سال یازدهم، شماره ۴۰.
- عبدی، عطاالله، رحیمی، رضا و عیوضی، محمد، (۱۳۹۳)، «تبیین رویکردهای قومیتی در شعارهای انتخاباتی نامزدهای ریاست جمهوری»، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۳۵.
- کریمی‌مله، علی، (۱۳۹۰)، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی تنوع قومی؛ مسائل و نظریه‌ها، تهران: سمت.
- مالشویچ، ویلشویو، (۱۳۹۰)، جامعه‌شناسی قومیت، ترجمه پرویز دلیرپور، تهران: آمه.
- مرشدی‌زاد، علی، (۱۳۸۰)، روشنفکران آذری و هویت ملی و قومی، تهران: مرکز.
- مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۸۶)، «چرخش در سیاست خارجی ایالات متحده و حمله به عراق: زمینه‌های گفتمان داخلی»، فصلنامه سیاست، سال ۳۷.
- مقصودی، مجتبی، (۱۳۸۰)، تحولات قومی در ایران؛ علل و زمینه‌ها، تهران: موسسه مطالعات ملی.
- منوچهری، عباس، (۱۳۹۰)، رهیافت و روش در علوم سیاسی، تهران: سمت.

References

- Aghajanian, Akbar, (1983), "Ethnic Inequality in Iran: An Overview", *International Journal of Middle East Studies*, Vol. 15, No. 2.
- AghaKouchak, A., et al, (2015, Aral Sea Syndrome Desiccates Lake Urmia: Call for Action", *Journal of Great Lakes Research*, 41.
- Bengtsson, BO, (2004), "Ethnic Organization, Integration, and Political Opportunity Structures", *Journal of Civil Society*, Vol. 17.
- Brass, Paul, (1991, *Ethnicity and Nationalism, Theory and Comparison*, London: London: Curzon Press.
- Brass, Paul, (1979), *Elite Groups, Symbol Manipulation and Ethnic Identity Among the Muslims of South Asia Political Identity in South Asia*, London: Curzon Press.
- Charles, Tilly, (1981), *As Sociology Meets History*, New York: Academic Press.
- David S. Meyer, (2004), "Protest and Political Opportunities", *Annul Rev, Sociology*, Vol. 30.
- Eisinger, Peter K, (1973), "The Conditions of Protest Behavior in American Cities", In the American, *Political Science Review*, Vol. 67, No. 21.
- Lorentzen, P., Fravel, M. T., & Paine, J, (2017), "Qualitative Investigation of Theoretical Models: The Value of Process Tracing", *Journal of Theoretical Politics*, 29 (3).
- Marianne, J and Louise Phillips, (2002), *Discourse Analysis as Theory and Method*, London: SAGE Publication.
- Wisdom J., et al, (2003), *Critical Perspectives in Politics and Socio-Economic Development in Ghana*, Brill, Leiden, Paperback Publications.

سایت‌ها

- حضرت‌پور (الف)، روح‌الله، (۱۳۹۵)، کنفرانس خبری شفاف و بی‌پرده روح‌الله حضرت‌پور با اصحاب رسانه، دیده شده در: durnanews.ir/?p=29265، ۲۸ فروردین ۱۳۹۵.

- حضرت پور(ب)، روح الله، (۱۳۹۵)، کنفرانس خبری شفاف و بی‌پرده روح الله حضرت پور با اصحاب رسانه، دیده شده در: durnanews.ir/?p=29265، ۲۸ فروردین ۱۳۹۵.
- قاضی پور، نادر، (۱۳۹۵)، نادر قاضی پور در ستاد روح الله حضرت پور: رای من و رای آذربایجان روح الله حضرت پور است، دیده شده در: 3.durnanews.ir/?p=29328، اردیبهشت ۱۳۹۵.
- پزشک‌یان، مسعود، (۱۳۹۴)، همایش بزرگ حامیان دکتر مسعود پزشک‌یان، دیده شده در: www.aparat.com، ۵ اسفند ۱۳۹۴.
- حضرت پور، روح الله، (۱۳۹۴)، ایران خدمت‌گزاران خود را می‌شناسد، دیده شده در: www.javanpress.ir، ۵ اسفند ۱۳۹۴.
- سعیدی، محمد اسماعیل، (۱۳۹۵)، مالیات‌های سنگین موجب فرار فعالان اقتصادی، دیده شده در: www.farsnews.com دی ۱۳۹۵.
- کانال تلگرام نادر قاضی پور، دسترسی در: @naderghazipour.
- قاضی پور، نادر، (۱۳۹۵)، با حقوق‌های نجومی مدیران فولاد مبارکه برخورد کنید، دیده شده در: www.anaj.ir، ۱۵ مرداد ۱۳۹۵.
- حضرت پور، روح الله، (۱۳۹۵)، نماینده جدید ارومیه در اولین روز کاری مجلس شورای اسلامی به رئیس‌جمهور نامه نوشت، دیده شده در: 9.durnanews.ir، ۹ خرداد ۱۳۹۵.
- سعیدی، محمد اسماعیل، (۱۳۹۵)، برای احیای دریاچه ارومیه بودجه نمی‌دهند اما پروژه‌های زادگاه نوبخت را پیش می‌برند، دیده شده در: www.anaj.ir، ۹ بهمن ۱۳۹۵.
- بهادری، هادی، (۱۳۹۴)، جلسه داغ هادی بهادری با خبرنگاران، دیده شده در: www.ainanews.com، ۲۸ خرداد ۱۳۹۴.
- بیمقدار، شهاب‌الدین، (۱۳۹۵)، عملکرد نمایندگان مجلس در شعارهای کلی و کلیشه‌ای محدود شده است، دیده شده در: gaame2az.ir، بی تا، ۱۳۹۵.
- بهادری(الف)، هادی، (۱۳۹۵)، شاخص‌های توسعه در آذربایجان غربی عقب‌مانده است، دیده شده در: www.farsnews.com، ۲۷ بهمن ۱۳۹۵.
- بهادری(ب)، هادی، (۱۳۹۵)، شاخص‌های توسعه در آذربایجان غربی عقب‌مانده است، دیده شده در: www.farsnews.com، ۲۷ بهمن ۱۳۹۵.
- علیرضاییگی، احمد، (۱۳۹۶)، رئیس‌جمهور از حاشیه‌ها بکاهد و بر متن متمرکز شود، دیده شده در: mehrnews.com، تیر ۱۳۹۶.

- قاضی پور، نادر، (۱۳۹۵)، دست‌هایی در کار بود که تراکتور به این روز بیفتد، دیده شده در: www.cup.ir، ۱۷ بهمن ۱۳۹۵.
- حضرت پور، روح‌الله، (۱۳۹۵)، والیبال آذربایجان رای ناعادلانه فدراسیون را تحمل نخواهد کرد، دیده شده در: www.yolpress.ir، ۱۹ بهمن ۱۳۹۵.
- پزشکیان، مسعود، (۱۳۹۵)، دفاع تمام‌قد پزشکیان از تشکیل فراكسیون مناطق تُرك‌نشین، دیده شده در: www.isna.ir، ۱۶ آبان ۱۳۹۵.
- بیمقدار، شهاب‌الدین، (۱۳۹۵)، مطبوعات و رسانه‌های آذربایجان ضعیف هستند، دیده شده در: www.yolpress.ir، ۱۷ آبان ۱۳۹۵.
- وبگاه درگاه ملی آمار، (۱۳۹۵)، نتایج سرشماری ۱۳۹۵، دیده شده در: www.amar.org، بی‌تا، ۱۳۹۵.
- علیرضاییگی، احمد، (۱۳۹۵)، نقش تاثیرگذار فراكسیون آذری‌زبان‌های مجلس در تصمیم‌گیری‌های مجلس، دیده شده در: www.farsnews.com، ۲۰ خرداد ۱۳۹۵.
- قاضی پور، نادر، (۱۳۹۶)، در کابینه دولت دوازدهم سهمیه وزرای تُرك افزایش یابد، دیده شده در: old.alef.ir، ۲۸ تیر ۱۳۹۶.
- قاضی پور، نادر، (۱۳۹۵)، شکایت نادر قاضی‌پور از روزنامه همشهری، دیده شده در: yolpress.ir، ۲۳ بهمن ۱۳۹۵.
- بهادری، سیدهادی، (۱۳۹۵)، اقدام روزنامه همشهری را محکوم و خواستار برخورد مقامات قضایی هستیم، دیده شده در: durnanews.ir، ۲۶ بهمن ۱۳۹۵.
- حضرت پور، روح‌الله، (۱۳۹۵)، گزارش همشهری جعل ناشیانه تاریخ آذربایجان است، دیده شده در: durnanews.ir، ۲۴ بهمن ۱۳۹۵.
- صفحه اینستاگرام نادر قاضی‌پور: <https://www.instagram.com/p/-BltdWP8gz/>